



کارآفرینی هدفمند



روح اله رضاعلی

سید میثم موسوی

تصویرگر

دستیابی به چنین شرایطی در کشور، به تربیت نسلی نیازمندیم که کارآفرین باشد تا در آینده بتواند در عرصه‌های گوناگون وضعیت تولید را اصلاح کند و با افزودن بر کیفیت تولیدات داخلی و صادرات آن‌ها، ارزآوری را در کشور ارتقا بخشد.

لذا هرگاه بتوانیم در گام نخست نسلی با این ویژگی‌ها تربیت کنیم و در گام‌های بعد با شناسایی افراد مستعد و کارآفرین، آن‌ها را به سمت تولیدات با اولویت هدایت کنیم، فرهنگ کارآفرینی در جامعه نهادینه می‌شود. با این اشاره در می‌یابیم، تربیت کارآفرینی با میزان ارزآوری رابطه دارد. هر کشوری، هرچه میزان صادرات و ارز بالاتری داشته باشد، فرایند کارآفرینی را درست‌تر هدایت کرده است (محبی، ۱۳۹۸).

نظام آموزش و پرورش جمهوری اسلامی پس از تصویب سند بنیادین با رویکردهای جدید و البته توجه ویژه به

همه انسان‌ها در مقابل تغییرات فناوری رویه واحدی را دنبال نمی‌کنند. عده‌ای با آن مقابله می‌کنند، عده‌ای بی تفاوت هستند، عده‌ای همراه می‌شوند و عده‌ای هم به این موقعیت به‌عنوان یک فرصت می‌نگرند و از آن انواع فرصت‌های کسب و کار را ایجاد می‌کنند.

در حالت خاص، کارآفرینان افرادی هستند که با خلاقیت و نوآوری عامل تغییرات هستند و تغییراتی اساسی را در عرصه‌های اجتماعی، اقتصادی و فناوری ایجاد می‌کنند. برای مثال، افرادی که تغییرات فناوری را باعث شده‌اند، کارآفرینان ناب هستند. این افراد نیازآفرینی می‌کنند. نیازآفرینی نیازمند پیش‌بینی آینده است. این افراد با تحلیل درست تغییرات اجتماعی و اقتصادی، ضمن نوآوری در فناوری‌های موردنظر، فضای کسب و کار جدیدی طراحی می‌کنند.

حال سؤال اینجاست: آیا مدرسه‌ها و خانواده به دنبال تربیت نسلی کارآفرین هستند یا کارمند؟

اما رویکرد غالب بر فعالیتهای مدرسه‌ها و خانواده‌ها تربیت برای کارمند شدن است. تغییر این رویکرد به تغییر فرهنگ آموزش و ارزشیابی از محتوا، به موقعیتهای واقعی زندگی و شغلی نیاز دارد. به عبارت دیگر، لازم است به تربیت مهارت‌های کارآفرینی توجه شود. در مجموع، با تحلیل درست شرایط اقتصادی کشور و حتی جهان به این نتیجه می‌رسیم که رویکرد آموزش و پرورش باید از رویکرد تربیت کارمندمحوری به تربیت کارآفرین‌محوری تغییر یابد (البته در پیوند با ارزش‌های دینی و ملی). این رویکرد با سیاست‌های اقتصاد مقاومتی منطبق است. زیرا لازمه تقویت اقتصاد مقاومتی، تولید و صادرات است. برای



ساحت‌های تربیت، اهداف دوره‌های تحصیلی را تغییر داد و اصلاح کرد. در مصوبه ۹۵۲ جلسه شورای عالی آموزش و پرورش این اهداف متناسب با ویژگی‌ها و شرایط سنی دانش‌آموزان و ایجاد زمینه‌های دستیابی به شایستگی‌های پایه و همچنین توجه به رشد متوازن و همه‌جانبه دانش‌آموزان تدوین شده‌اند و یکی از ساحت‌های شش‌گانه تعلیم و تربیت ساحت اقتصادی و حرفه‌ای است که در اینجا نگاهی اجمالی به این هدف خواهیم داشت.

در دوره اول ابتدایی تلاش می‌شود نظام آموزشی در برنامه‌های درسی و تربیتی خود، دانش‌آموزان را با مفاهیم پایه اقتصاد مانند فایده، هزینه، مصرف و روش‌های مصرف بهینه در زندگی شخصی و خانوادگی آشنا کند. همچنین، با کسب مهارت‌های ساده کارآفرینی قدرت تخیل و خلاقیت خود را برای تولید محصول یا خدمتی به کار گیرد. در دوره دوم ابتدایی مباحث کمی گسترده می‌شوند و دانش‌آموزان با کسب مهارت‌های اصلی کارآفرینی، تولید یک محصول یا خدمت و نتایج آن را تحلیل می‌کنند. همچنین، با مفاهیم اخلاقی در اقتصاد نیز آشنا می‌شوند که می‌توان به کتاب کار و فناوری به‌طور خاص در پایه ششم اشاره کرد. اما در دوره متوسطه اول که در واقع یکی از شرایط حساس برای دانش‌آموزان و اساسا جامعه است، این اهداف گستره بیشتری پیدا می‌کنند. دانش‌آموز باید درک کند و توانمند شود که برای انتخاب مسیر شغلی آینده خود برنامه‌ریزی کند. یعنی اهداف دوره اول متوسطه در این ساحت تربیتی، شناخت حرفه‌ها و مشاغل و کسب صلاحیت‌های فنی پایه

در تولید و عرضه محصول متناسب با علاقه‌ها، استعدادها و جنسیت است.

با توجه به رشد سریع فناوری و تغییرات اجتماعی و اقتصادی پیچیدگی‌های دنیای کار و همراه ظهور چالش‌ها و مفاهیمی از قبیل آموزش مستقل و مادام‌العمر و آموزش برای همه، کار شایسته، جهانی‌سازی و رسیدن به شاخص‌ها و استانداردهای توسعه، به‌ویژه سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴، ضرورت دارد افراد در هر بخشی از زندگی اجتماعی و حرفه‌ای خود به‌طور مستمر دانش، مهارت و نگرش خود را توسعه دهند و در جامعه جدید زندگی و کار هدفمندی داشته باشند. آموزش و مهارت‌آموزی سبب پیشرفت فردی، افزایش بهره‌وری و تسهیل مشارکت در زندگی اجتماعی و اقتصادی می‌شود. در نهایت آموزش و مهارت‌آموزی و البته کارآفرینی سبب افزایش درآمد و کاهش فقر می‌شود. محصول این آموزش‌ها افزایش دانش و مهارت رشد شناختی اقتصادی و توسعه اجتماعی است که سرمایه‌گذاری در آن، سرمایه‌گذاری برای آینده تلقی می‌شود. طبق اسناد تحولی، مدرسه در افق چشم‌انداز ۱۴۰۴ تجلی‌بخش کارآفرینی است و یکی از اهداف کلان آن نیز تربیت انسان است؛ انسانی که ۳۰ ویژگی اصلی دارد و یکی از آن‌ها خلاق و کارآفرین بودن است. این انسان با درک مفاهیم اقتصادی در چارچوب نظام معیار اسلامی از طریق کار و تلاش و روحیه انقلابی و جهادی، کارآفرینی، قناعت و انضباط مالی، مصرف بهینه و دوری از اسراف و تبذیر، و با رعایت وجدان، عدالت و انصاف در روابط با دیگران، در فعالیت‌های اقتصادی در مقیاس خانه مشارکت می‌کند.

در مورد استفاده از ظرفیت اردو و توجه به موضوع کارآفرینی در سند تحول بنیادین، راهکارهایی آمده‌اند: در راهکار ۶-۱ آمده است: گسترش و تنوع‌دادن به حرفه‌ها و مهارت‌های مورد نیاز جامعه یا راهکار ۵-۶ تنظیم و اجرای برنامه جامع کارآفرینی و مهارت‌آموزی برای تمامی دوره‌های تحصیلی، به‌ویژه دانش‌آموزان دوره متوسطه باید از جمله راهبردهای نظام آموزشی باشد. راهکار ۶-۶ نیز به ایجاد شبکه‌ای از محیط‌های یادگیری اشاره دارد که اردوگاه‌ها و مراکز کارآفرینی از جمله آن‌ها هستند. همچنین، در راهکار ۲۸ نیز به استفاده از ظرفیت اردوها اشاره شده است.

می‌توان نتیجه گرفت، یکی از مختصات مدرسه مطلوب، استاندارد و اساسا صالح، تحقق اهداف کارآفرینی و استفاده از ظرفیت اردوهای



آموزشی است. حال سؤال این است که آیا می‌توان نگاهی تجمیعی به اردوهای دانش‌آموزی و کارآفرینی داشت؟ آیا این امکان وجود دارد که موضوع و اهداف کارآفرینی را به نوعی تجلی اهداف ساحت اقتصادی و حرفه‌ای از طریق ظرفیت اردوهای آموزشی دانست؟

یکی از خصوصیات مهم فضای مدرسه‌ صالح که در سند تحول بنیادین به آن اشاره شده است، موضوع مشارکت و همکاری در این مدرسه است، چرا که انسان در جامعه متولد می‌شود و در جامعه رشد می‌کند. تربیت او نیز باید اساساً اجتماعی باشد. لذا فضای حاکم بر محیط‌های تربیتی، به‌ویژه محیط‌های تربیت رسمی، باید به‌گونه‌ای باشد که شخصیت دانش‌آموزان را از شکل‌گیری فردگرایی و رقابت‌گرایی مخرب دور نگه دارد. لذا محیط‌های تربیتی باید به جای تأکید بر مقایسه فردی و رقابت با دیگران در یادگیری، به ایجاد فضای رفاقت سالم و تعاون سازنده و مؤثر با دیگران و رقابت هر فرد با خودش روی آورند.

بنابراین، مدرسه‌ صالح وضعیتی است که شکل ساده‌ای از حیات طیبه را به ظهور می‌رساند تا دانش‌آموزان آن را تجربه کنند. می‌توان گفت، مدرسه وضعیتی سازمان‌یافته برای انجام‌دادن رفتارهای اخلاقی و هنجارها و ارزش‌های اسلامی و اجتماعی دارد. به عبارت دیگر، همکاری در مدرسه در دو بعد درونی و بیرونی نمود پیدا می‌کند. در بعد درونی این همکاری بین دانش‌آموزان و معلمان انجام می‌شود و در بعد بیرونی، مدرسه در واقع بخشی از جامعه محلی متناسب با ویژگی‌های خاص است. نوع مشارکت، علاوه بر اینکه فرصت‌های تربیتی را برای مدرسه توسعه می‌دهد، باعث می‌شود مدرسه محور توسعه محلی تلقی شود و نقش اصلی را در هدایت تغییرات اجتماعی برعهده گیرد. یکی از جلوه‌های کانونی همکاری و تعاون در مدرسه اردوی دانش‌آموزی است که فعالیتی آموزشی و تربیتی و یک رسانه آموزشی محسوب می‌شود و به دانش‌آموزان امکان می‌دهد از طریق مشاهده طبیعت، وقایع، فعالیت‌ها، اشیا و مردم تجربه علمی و عملی به‌دست آورند.

در سند تحول بنیادین، مدرسه موقعیتی است که دانش‌آموز می‌تواند در آن حرفه آینده خود را شناسایی، ارزیابی و برای کسب و کار و نقش‌آفرینی اقتصادی در آینده برنامه‌ریزی کند. با نگاهی اجمالی به اهداف دوره‌های

تحصیلی در ساحت تعلیم و تربیت اقتصادی و حرفه‌ای نیز متوجه می‌شویم که مدرسه باید فعالیت‌ها و برنامه‌ریزی‌هایی را سازمان‌دهی کند که دانش‌آموزان با مفاهیمی مثل کار، کارآفرینی و اشتغال، درآمد و اساساً مفاهیم اصلی و پایه اقتصادی آشنا شوند و برای ورود به جامعه و زندگی در گروه اجتماعی آمادگی لازم را کسب کنند.

«طرح» اردوی کارآفرینی مدارس» به‌عنوان یک رویداد آموزشی تجربی^۱ به مدیران و معلمان پیشنهاد می‌شود؛ اردویی که به‌دنبال آموزش و ترویج کارآفرینی با رویکرد عملی در مدرسه‌هاست و در قالب آن برنامه‌های ترویجی، آموزشی و مشاوره‌ای در مدرسه اجرا می‌شوند. این طرح نگرش کارآفرینانه را بین جامعه دانش‌آموزی ترویج می‌دهد تا دانش‌آموزان این نکته را فراگیرند که در هر مرحله از آموزش باید به دنبال این باشند که ایده‌های خلاقانه‌ای را برای راه‌اندازی کسب و کار در ذهن داشته باشند. برای اجرای طرح، پس از انتخاب زمانی برای برگزاری اردو، در صورتی که معلم به موضوع علاقه‌مند باشد، مسئولیت اجرا را عهده‌دار می‌شود. در غیر این صورت از یک تسهیلگر یا مدرس کارآفرینی بومی استفاده می‌شود. معلم یا تسهیلگر باید در دوره آموزشی و توجیهی طرح شرکت کند.

دانش‌آموزان با تسهیلگری و همراهی معلم یا تسهیلگر در برنامه‌های ترویجی مثل آشنایی با کارآفرینان، مسابقه با موضوع کارآفرینی، پخش فیلم و بازدید از شهرک‌های صنعتی، نسبت به موضوع کارآفرینی و کسب و کار علاقه‌مند می‌کند. هم‌زمان تعدادی از دانش‌آموزان علاقه‌مند از هر کلاس شناسایی و آموزش‌های کارآفرینی و کسب و کار را با زبان ساده فرا می‌گیرند. یکی از آموزش‌های مهم این طرح شرکت در رویداد طراحی مدل تمرین کسب و کار دانش‌آموزی است که دانش‌آموزان در آن در قالب تیم‌های کسب و کار ایده‌پردازی می‌کنند. فعالیت‌های ترویجی و آموزش‌ها نیز توسط معلمان یا تسهیلگران آموزش دیده ارائه می‌شوند.

پی‌نوشت

1. Experiential Education

منابع

۱. محبی، عظیم (۱۳۹۸). تربیت مهارت‌های تفکر و کارآفرینی در مدرسه. مؤسسه مدارس یادگیرنده مرآت، تهران.
۲. مبانی نظری سند تحول بنیادین (۱۳۹۰). شورای عالی انقلاب فرهنگی.

